**هفتت: اقالو به بالا بود و هفتت رو به بالا بود و راهت ز من کج بود / عشق تو در قبرم پاییز بود، لیز بود، پا لیز بود، پاییز بود، لیز بود // بالا شدم به جهان چون ندیدم اثری / بلوا شدم گاهی سر بر پا شدم رویت هماره رو به پاییز بود، لیز بود، پا لیز بود، لیز بود // در دل آتش غم رخت تا که خانه کرد / دیده سیل خون به دامنم بس روانه کرد // آفتاب عمر من فرو رفت و ماهم از افق چرا سر برون نکرد / هیچ و صبحُدم نشد فلک چون شفق ز خون دل مرا لاله گون نکرد // ز روی مهت جانا پرده برگشا / در آسمان مه را منفعل نما // به ماه رویت سوگند که دل به مهرت پابند به طرّه ات جان پیوند / قسم به زند و پازند به جانم آتش افکند فراق رویت دلبند // بیا نگارا جمال خود بنما / ز رنگ و بویت خجل نما گل را // رو در طرف چمن، بین بنشسته چو من / دلخون بس ز غم یاری غنچه دهن.**